

آيا تارك نماز واقعاً كافر است؟



مؤلفان

امين الدين "سعيدى- سعيد افغانى"
و داکتر صلاح الدين "سعيدى- سعيد افغانى"

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

تتبع، نگارش و نوشته از:
امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

فهرست موضوعات و مطالب

- 4 حکم تارک نماز در اسلام:
- 6..... حکم تارک نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت
- 6..... حکم امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز
- 8..... حکم امام ابوحنیفه در مورد تارک نماز:
- 8..... حکم شیخ حبیب ابن عبد الله در مورد تارک نماز :
- 10..... حکم ابن قیم (رح) در مورد تارک نماز:
- 11..... حکم امام ابن تیمیة در مورد تارک نماز :
- 13..... حکم شیخ ابن باز رحمه الله در مورد تارک نماز:
- 14..... حکم شیخ ناصرالدین البانی در مورد تارک نماز:
- 14..... نتیجه کلی در مورد تارک نماز:
- 14..... یادداشت ضروری:
- 15..... آیا بر تارک نماز، خواندن نماز جنازه جایز است؟
- 16..... برخورد شوهر با زن بی نمازش:
- 16..... مسؤلیت زن در مقابل شوهر بی نمازش:
- 17..... برخورد با خانواده بی نماز خویش!
- 20..... سهل انگاری در امر نماز:
- 23..... حکم دوستی با تارک نماز در اسلام:

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

بسم الله الرحمن الرحيم
آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

خواننده محترم !

قبل از همه مبحث خویش را به طرح این سوال که آیا کسیکه بطور عمدی و دانسته نماز را ترک میکند حکم اش در دین مقدس اسلام چیست؟ آغاز میدارم .
آیا واقعاً انسانیکه دارایی چنین عقیده و فعلی باشد از دایره اسلام خارج میگردد و در جمله کفار محسوب میشود؟ در این صورت آیا با او ارتباط و صلّه رحمی اخوت اسلامی جواز دارد و یا خیر؟

پروردگار با عظمت ما در سوره (الماعون) می فرماید: « فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون » یعنی : (وای بر حال آن نماز گزارانی، که در گزاریدن نمازهایشان سستی می نمایند.)

در این آیت کریمه پروردگار با عظمت ما حتی به آنعده اشخاصیکه، که به نماز خواندن پایبند نیستند و آن را به طور درست نمی خوانند، آنان را تهدید به عذاب دوزخ نموده اند. همچنان در سوره المدثر از احوال دوزخیان چنین خبر می دهد : «مأسلكم فی سقر قالوا لم نكن من المصلين» یعنی : از دوزخیان می پرسند: چه چیز شمارا به دوزخ در آورد؟ آنان در جواب می گویند : ما از جمله نماز گزاران نبودیم.

در حدیثی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: « رأس الأمر الإسلام، و عموده الصلاة، و ذروة سنامه الجهاد » (رأس دین، اسلام است و ستون آن نماز و قله ی رفیعش جهاد است).

و در حدیثی دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید : « إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشِّرْكِ وَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ » (حد فاصل بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است).
و در حدیثی دیگری آمده است: « أَلْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ؛ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ » (مشخصه ی ما و آنها) کفار و مشرکین) نماز است. هر کس آن را ترک کند کافر می شود).

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: « بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة » (رواه مسلم) (یعنی : در بین بنده و بین کفر امر فرق گزارنده ترک نماز است) از این حدیث دانسته می شود : که رفتار بی نماز به رفتار کافر مانند می باشد: این نماز است که در ظاهر مسلمان را از کافر فرق و متمایز می سازد .

این معنا و مفهوم عالی را رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری چنین بیان کرده است: « من استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و أكل ذبیحتنا فهو المسلم » (رواه شیخان و غیرهما). یعنی : هر که هنگام نماز رو به قبله ما بگرداند و مثل ما نماز بخواند و از گوشت (ذبیحه) ما بخورد پس وی مسلمان می باشد.

هکذا در حدیثی دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم یکی از علامت های شناختن مسلمان مثل ما را نماز معرفی داشته است.

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

خواهر و برادر مسلمان !

در آیات متبرکه و احادیث نبوی که در فوق ذکر از آن بعمل آمد میتوان دونتیجه ذیل را بدست آریم:

اول:

اینکه یک شخص مسلمانان با نماز خواندن شناخته می شود ، کارت شناسی و تذکره شناخت و یا به اصطلاح تذکره هویت یک شخص مسلمان در جامعه همین نماز است.

دوم:

اینکه جزای بی نماز دوزخی است. این مفهوم عالی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در حدیثی چنین بیان کرده است:

« من حافظ علیها کانت له نوراً و برهاناً و نجاته یوم القیامة و من لم یحفظ علیها لم تکن له نوراً و لا برهاناً و لا نجاته و کان یوم القیامة مع قارون و هامان و ابی بن خلف» (رواه أحمد و الدارمی و البیهقی و الطبرانی و ابن حبان و قال المنذری إسناده أحمد جید كما فی المرقاة.) یعنی هر که به این پنج وقت نماز پابندی نماید برایش فردای قیامت نور و برهان و نجات خواهد بود.

و شخصیکه به نماز پابند نباشد برایش نه نور است و نه برهان و نه نجات . او همراه قارون، فرعون ، هامان و ابی پسر خلف در دوزخ خواهد بود.

از حکم این حدیث با صراحت و وضحات بطور واضح معلوم میگردد ، که بی نماز همراه این بد بخت ترین کافران در سوخت و گداز بی نمازی خواهد بود.

پس کسیکه ایمان به الله تعالی و به روز قیامت داشته باشد ، باید هرگز نماز خویش را ترک نکند. از همین جهت امام ترمذی از عبد الله ابن شکیک روایت می کند که گفت : «

کان أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم لایرون شیئاً من الأعمال ترکة کفر غیر الصلاة» (رواه الترمذی). (اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را جز ترک نماز کفر نمی دانستند).

حکم تارک نماز در اسلام :

قرآن عظیم الشان در (آیه 42 و 43 سوره مدثر) میفرماید : « ما سلکم فی سقر؟ قالو لم نک من المصلین » (وقتی که مومنان از گناهکاران می پرسند چه چیزی باعث شد که به دوزخ داخل شوید؟ می گویند از نمازگزاران نبودیم و) یعنی تارک الصلاة بودنمان ما را به این روز سیاه کشانده) و دچار آتش دوزخ کرد (بلی واقعاً چنین است . عقیده نداشتن به نماز و ترک آن به کلی آنان را مستحق عذاب دوزخ ساخت.

اما آنان که به فرض بودن نماز معتقد باشند و در عمل نماز نخوانند خداوند متعال در قرآن کریم آنان را به عذاب « غی » تهدید می کند و غی بیابانی در دوزخ می باشد.

آنجا که خداوند می فرماید: « ف خلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا » (بعد از آن مردمی که هرگاه آیات رحمن بر آنان خوانده می شد به سجود می افتادند و بر خود می گریستند بعد از آن مردم دیندار مردمی ناخلف روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و آنرا ترک نمودند و به دنبال شهوات و معاصی راه افتادند

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

آنان به قعر غی انداخته خواهند شد) (مریم آیه ۵۹) .
ولی آنان که به فرض بودن نماز عقیده دارند و نماز می خوانند اما در انجام آن سهل انگاری می کنند و از اینکه نمازشان به تاخیر افتد یا وقت آن بگذرد پروایی ندارند قرآن در مورد این افراد می فرماید : « فویل للمصاین الذین هم عن صلاتهم ساهون » (ویل و عذاب خدا بر نمازگزارانی که در انجام نماز خود غفلت می کنند و از تاخیر آن پروایی ندارند و نماز خود را به دست فراموشی می سپارند) (سوره ماعون آیه ۴ و ۵) .
در روایتی از سعدبن ابی وقاص آمده است که : در خصوص این ایه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم ایشان فرمودند : « هم الذین یوخررون الصلاة عن وقتها » (آنان مردمی هستند که نماز را به تاخیر می اندازند تا از وقت آن می گذرد) .
همچنان طوریکه در فوق گفتیم در حدیث صحیح آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : « بین الکفر و الایمان ترک الصلاة » (حد فاصل ایمان با کفر ترک نماز است) یعنی اگر کسی نماز فرض نخواند از دایره ایمان خارج است و به کفر رسیده است .

در حدیث مسند آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : « من حافظ علی الصلوات کانت له نورا و برهانا و نجاته یوم القیامة و من لم یحافظ علیها لم یکن له نورا یوم القیامة مع القارون و فرعون و هامان و ابی بن خلف » (کسی که بر انجام نماز فرض مواظبت نماید و ارکان و شروط آن را درست بجا آوردن و با جماعت بخواند در روز قیامت نماز نور و روشنایی او خواهد بود و دلیل و برهان ایمان داری و وسیله نجات و رهایی او از عذاب الهی خواهد بود . و کسی که بر انجام نمازهای فرض مواظبت ننماید و نماز نخوانده باشد او هیچ نوری ندارد و بی نصیب از هر نور و وسیله نجاتی از همراهان قارون فرعون هامان و ابی بن خلف خواهد بود) .
ابونعیم از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند :

« من ترک الصلاة متعمداً کتب الله علیه اسمہ علی باب النار ممن یدخلها و من ترک صلاة متعمداً احبط الله عمله و برئت منه ذمه الله تعالی حتی یرجع الله توبة » (کسی که نماز فرض را بعمد ترک نماید خدای متعال نام او را بر در دوزخ می نویسد و از جمله داخل شوندگان به دوزخ است و کسی که یک نماز فرض را بعمد ترک کرد خدای متعال اعمال او را نابود می کند و از ذمه خدا یعنی در سایه حفظ و مراقبت خدا قرار ندارد مگر توبه کند و به سوی الله سبحان و تعالی باز گردد و بر انجام نمازهای فرض مواظبت و مداومت داشته باشد) .

در حدیث اسرا و معراج آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مردمی گذشت که سرشان را می کوفتند و باز به حال اول بر می گشتند . رسول الله صلی الله علیه وسلم از جبرئیل پرسید : اینان چه کسانی هستند ؟ جبرئیل گفت : اینان مردمی هستند که از خواندن نماز فرض سرشان سنگین می شد و نماز را به وقت نمی خواندند .
بنابا حکم اسلامی و اجماع علماء بر این است : شخصی که واجب بودن نمازهای پنجگانه را انکار نماید کافر و مرتد است و حتی علماء حکم میکنند که قتل شخصی متذکره واجب میباشد .

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

حکم تارک نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت

همه علمای اسلام بدین عقیده اند که اولین وظیفه یک شخصی مسلمان و در نهایت امر از هر انسان است که در زندگی خویش پایبند عبادت و پرستش پروردگار با عظمت خویش باشد، و ترک عبادت به عنوان کوتاهی در عمل ذاتی و اساسی فرد مسلمان به‌شمار می‌آید.

نماز یکی از عبادت در دین مقدس اسلام است، و طوری که در فوق یاد آور شدیم، ترک عمدی آن موجب کفر می‌گردد، و استدلال بر کافر بودن تارک نماز (بطور عمد) حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که می‌فرماید: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» (مسلم و ابوداود و ترمذی و ابن‌ماجه و احمد بن حنبل این حدیث را روایت کرده‌اند.) (تفاوت میان مرد با کفر، ترک نماز است.)

و همچنان حدیثی: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» (احمد و صاحبان سنن این حدیث را روایت کرده‌اند.) «عهد و پیمانی که ما را از کافران جدا می‌سازد نماز است، هر کس نماز را ترک کند، کافر شده است.»

ولی در مورد مفهوم و تعریف و تفصیل این موضوع که ترک نماز بصورت قصدی صورت گیرد و یا غیر قصدی، آیا اینکه در جنب اینکه شخص تارک نماز از فرضیت آن هم منکر است موضوع است که در بین علماء دارای اختلاف است. عده ای از علماء می‌گویند تا زمانی که شخص وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی‌شود و احادیث «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» را به کفر اصغر تأویل و تعبیر می‌کنند.

ولی طبق صحیح ترین فتوا، که توسط برخی دیگری علماء صادر گردیده است، می‌گویند، ترک عمدی نماز موجب کفر (اکبر) می‌شود هر چند که وجوب آن را هم انکار نکند.

ولی هستند علماء اسلام که در اصدار حکم تارکین نماز از احتیاط استفاده نموده و تارکین نماز را بدو دسته تقسیم نموده‌اند.

دسته اول:

دسته اول شامل حال آن‌عده از بی نمازان و فاسقانی می‌شود که از جهت تنبلی و سستی نماز را ترک می‌کنند.

پیروان امام صاحب ابو حنیفه (رح) می‌فرمایند: اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آنرا ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی‌شود و بقتل هم نمی‌رسد.

حکم امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز:

امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز می‌فرمایند: شخص متذکره فاسق و مرتد است و کافر نمی‌باشد، تا سه روز برایش مهلت داده می‌شود. اگر در این مدت توبه کند و نماز بخواند رها گردد، و اگر توبه نکند به عنوان حدّ شرعی کشته شود.

شیخ عثیمن طی فتوای خویش در مجموع فتوای و رسائل (11/54) می‌فرماید: «آنچه که برای من ثابت شده است این است که شخص بی نماز زمانی کافر می‌شود که بطور مطلق تارک نماز باشد، به این معنی که اصلاً نماز نخواند و بعنوان شخص

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

نمازگزار شناخته نشود. ولی اگر گاهی اوقات نماز بخواند و گاهی اوقات نخواند، از نظر من نمی توان فتوای کفرش را صادر کنیم، چون پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». (فاصله بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است) پس شخصی که گاهی اوقات، نماز می خواند نمی توان گفت که وی بطور کلی تارک نماز است. »

حکم شیخ عثیمین در مورد تارک نماز:

شیخ عثیمین استدلال حکم فتوای خویش را به این حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین مستند می سازد: «العهد الذی بَینَنَا وَ بَینَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». (وجه تمایز ما و آنان) کفار و مشرکین (نماز است، پس هر کسی که آن را ترک کند کافر می گردد). شیخ عثیمین میفرماید: اگر در الفاظ حدیث دقت بعمل آید، ملاحظه میشود که پیامبر صلی الله علیه و سلم نه گفته است که: هر کسی یک نماز را ترک دهد کافر می شود، و نگفت: حد فاصل بین انسان و شرک و کفر یک نماز است؛ بلکه فرمود: «تَرَكَ الصَّلَاةَ» یعنی ترک دادن نماز به طور مطلق. »

از ظاهر این احادیث چنین بر می آید که شخص با ترک یکی دو نماز کافر نمی شود مگر آن که به کلی تارک آن بشود. لیکن طوریکه قبلاً یاد آور شدیم: کسیکه در بعضی اوقات نماز می خواند و گاهی اوقات آن را ترک می دهد فاسق می شود و مرتکب جرم بزرگی شده است و در واقع بر وجود خود جنایت نموده. این شخص مادامی که وجوب نماز را انکار نکند کافر نمی شود. ولی به علت ترک بعضی از نمازها عاصی و نافرمان محسوب می شود.

ولی کسی که به طور کلی تارک نماز باشد کافر و از دین اسلام خارج است ولو این که آن را از روی تنبلی و سهل انگاری ترک کند، کما این که نصوص قرآن، سنت و اقوال صحابه همین مطلب را تأیید می کنند، تا جایی که عبدالله بن شقیق رضی الله عنه اجماع صحابه را در مورد کافر بودن تارک الصلاة نقل کرده و اسحاق بن راهویه اجماع امت را در این مورد حکایت کرده است. (مجموع فتوای و رسائل شیخ عثیمین) (11/54)

دسته دوم:

دسته دوم شامل حال آن عده از افرادی بی نمازان می گردد: که نه تنها نماز نمی خوانند بلکه بر فرضیت نماز نیز اعتراف ندارند و نخواندان نماز را ضرور نمی دانند. حتی بر واجب بودن نماز در بین مردم استهزا و تمسخر اشکار میکنند.

احکام صادره در مورد طایفه دوم:

علماء میگویند: در مورد منکرین نماز یعنی کسانی که از فرضیت نماز نه تنها انکار میکنند، بلکه بر مقام و منزلت نماز ضرری میسرسانند و آنرا بباد تمسخر قرار میدهند، این عده افراد به دین ضرر میسرسانند بناً حکم امامان چهارگانه در مورد منکرین وجوب نماز و یا کسانی که آنرا خوار و سبک بشمارد، و بدین وسیله امر پروردگار را و پیامبر صلی الله علیه و سلم را تکذیب نمایند، و در قلب او حتی به اندازه‌ی دانه‌ی خردلی ایمان وجود نداشته باشد، پس او مانند کافرانی است که خداوند متعال آنان را

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

اینگونه توصیف می‌نمایند:

« وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ » (سوره مائده/58) (آنان هنگامی که (آذان می‌گویند و مردمان را) به نماز می‌خوانید، نماز را به باد استهزاء می‌گیرند و بازیچه‌اش قرار می‌دهند (و بدان می‌خندند و تمسخرش می‌کنند) . این کارشان بدان خاطر است که ایشان کسانِ نفهم و بی‌شعوری هستند (و ضلالت را از هدایت باز نمی‌شناسند و هدف و حکمت نماز را درک نمی‌کنند). بدین ترتیب، از منزلت و جایگاه کسانی آگاه می‌شویم که نماز و عبادت را از مظاهر عقب‌ماندگی و ارتجاع می‌دانند، و برپادارندگان نماز را مسخره می‌کنند.

حکم امام ابوحنیفه در مورد تارک نماز:

پیروان امام صاحب ابوحنیفه (رح) در مورد اشخاص تارک نماز می‌فرمایند: اگر شخص از جهت تنبلی و سستی نماز را ترک می‌کند فاسق بوده چنین کسی، با ترک نماز فاسق می‌شود، و واجب است که او را تأدیب و تعزیر کرد و باید او را به حدی زد، تا خون از اندام او جاری گردد و تا هنگامی که به ادای نماز نپردازد در زندان باقی بماند، و حکم تارک روزه نیز به همین منوال است.

پیروان امام ابوحنیفه (رح) می‌افزیند:

ولی اگر شخص تا زمانی که فرضیت نماز را انکار نکند یا آنرا ناچیز نداند حکم به کفر کرده نمی‌شود و بقتل هم نمی‌رسد.

حکم امام احمد در مورد تارک نماز:

امام احمد (رح)، در مشهورترین روایات خود، می‌گوید: شخص نماز نخوان کافر است، و خارج از دین و «مارق» تلقی می‌گردد، و مجازاتی جز قتل ندارد. و واجب است که از او بخواهند که توبه نماید، و با ادای نماز وی را به اسلام برگردانند، اگر پذیرفت، او را رها کنند و اگر نپذیرفت گردن او را بزنند.

حکم امام شعرانی در مورد تارک نماز:

امام شعرانی از جمله اساتید جید جهان اسلام در کتاب خود العهود الموثیق المحمدیه مینویسد که: رسول الله صلی الله علیه وسلم از همه ما مسلمانان تعهد عام گرفته اند که هرکسی که تارک الصلاة است از هر طبقه باشد عالم عامی و یا مقلد باشد باید برای او بیان نماییم که فضیلت نمازهای فرض چه می‌باشد و این مطلب را با تاکید کامل به او یاد آوری کنیم و به همه نزدیکان و آشنایان خود بگوییم که گناه تارک الصلاة تا چه اندازه مذموم است و مرتکب چه گناهی می‌شود و با اینکار دین خود را به باد می‌دهد.

حکم شیخ حبیب ابن عبد الله در مورد تارک نماز:

شیخ حبیب ابن عبدالله بن علوی الحداد در نصایح خود آورده است: همانگونه که محافظت و مداومت نماز بر خودت واجب است و ضائع ساختن آن بر خودت حرام است همانگونه بر تو واجب است که بر اهل و اولادت در خصوص بجا آوردن نماز سختگیری نمایی و همانطور هر کس که زیر دست توست باید او را به اقامه نماز واداری و هیچ عذری در نماز نکردن از او نپذیری و هرکدام از آنان که سختت را نشنیدند بر تو واجب است که

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

بر آنان خشم بگیری و آنان را تهدید نمایی و عقوبت دهی . اگر اینکار را نکردی خودت هم از جمله کسانی خواهی بود که به نماز و حقوق خداوندی و دین خدا بی اعتنایی می کند . اگر آنان را عقوبت دادی و تهدید نمودی و بر آنان خشم گرفتی سودی نداد و واجب است که آنان را از خود برانی زیرا شیطانی بی خیر و برکت هستند که نه دوستی با آنان رواست و نه زندگی با آنان جایز است دشمنی با آنان بریدن از آنان و دوری گرفتن از آنان واجب است برای اینکه آنان دشمنان خدا و رسول هستند و چنانچه خدای متعال فرموده : « لا تجد قوما بالله و الیوم الاخر و یوآدون من حاد الله و رسوله و كانوا ابائهم او ابناء هم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه » (مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند ولی کسانی را به دوستی بگیرند که به خدا و پیغمبرش دشمنی ورزیده باشند هرچند که آنان پدران یا پسران یا برادران و یا قوم و قبیله ایشان باشند . چرا که مومنان را خدا بر دلهایشان رقم ایمان زده است و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است و تقویتشان کرده است . (سوره مجادله آیه 22) .

خوانندگان محترم !

واقعیت امر اینست که: قرآن عظیم الشان ، نماز خواندن را از خصوصیات کفار دانسته آنجا که می فرماید: « وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (سوره مرسلات/48) . «چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی کنند و کرنش نمی برند! » .

و در روز قیامت آنان را اینگونه توصیف می کند: « یَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ، خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ» . (روزی، هول و هراس به اوج خود می رسد، و کار سخت دشوار می شود . بدین هنگام از کافران و مشرکان خواسته می شود که سجده کنند و کرنش ببرند، اما ایشان نمی توانند چنین کنند . این در حالی است که چشمانشان (از خوف و وحشت و شرمندگی و شرمساری) به زیر افتاده است، و خواری و پستی وجود ایشان را فرا گرفته است . پیش از این نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می شدند (و ایشان با وجود توانایی، سجده و کرنش نمی کردند) . « .

از نظر قرآن زمانی انسان از مصونیت جان خویش برخوردار خواهد بود، و تحت لوای اخوت اسلامی در خواهد آمد، که از شرک توبه کند و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد . خداوند درباره ی مشرکان و کافران حربی می فرماید: « فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» .

«اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از زمره شمایند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید . بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای توبه کنندگان از گناهان،) و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است . « .

و بعد از آن می فرماید: « فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفُصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اگر آنان (از کفر) توبه کردند و (احکام اسلام را مراعات داشتند،

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

و از جمله) نماز را خواندند و زکات دادند (دست از آنان بدارید، چرا که) در این صورت برادران دینی شما هستند (و سزاوار همان چیزهایی بوده که شما سزاوارید، و همان چیزهایی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است). ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و شرح می‌دهیم).

قرآن تصویری از سیمای آخرت را برای ما ترسیم می‌کند که کافران و ستمگران در دوزخ‌اند، و مؤمنان اصحاب‌الیمین از آنان می‌پرسند:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ، وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْأَخْيَاطِ، وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ» (چه چیزی شما را در آتش دوزخ درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با هرزه‌درایان هرزه‌درایی می‌کردیم و روز جزا را دروغ می‌شمردیم).

نخستین نمودِ جرم و کفر آنان این بود که از نمازگزاران نبودند. هرگاه به سنت نبوی مراجعه نماییم، احادیث صحیح نبوی را می‌یابیم که کافرشدن نماز نخوان را تأیید می‌کند. در حدیثی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمود:

«لَا تَتْرُكِ الصَّلَاةَ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَدِّدًا فَقَدْ بَرِنَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ» (نماز را عمداً ترک مکن که هرکس به طور عمد نماز را ترک کند، خداوند متعال تعهدی در قبال او نخواهد داشت). طبرانی به سند خود در معجم اوسط این حدیث را روایت کرده و منذری در متابعات گفته است: قابل قبول است.

از عبدالله بن عمر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی درباره‌ی نماز فرمود: «هرکس بر نماز محافظت کند نماز برای او نور و برهان و نجات در روز قیامت خواهد شد، و هر کس بر آن محافظت ننماید هیچ نور و برهان و نجاتی برای او نیست و در روز قیامت همراه فرعون و هامان و ابی‌بن‌خلف خواهد بود.» احمد بن حنبل این حدیث را روایت کرده و هیثمی گفته است: رجال آن موثق می‌باشند.

حکم ابن قیم (رح) در مورد تارک نماز:

شیخ ابن قیم دمشقی از موالید (691) هجری در دمشق در مورد تارک نماز می‌فرماید:

«هرکس به سبب سرگرمی به سیاست و امارت نماز را ترک کند، با فرعون محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به مال و دارایی نماز را ترک کند، با قارون محشور خواهد شد، و هرکس که پست و مقام او را از نماز باز دارد، با هامان محشور خواهد شد، و هرکس به سبب سرگرمی به تجارت نماز را ترک کند با ابی‌بن‌خلف محشور خواهد شد.»

وقتی کسانی که بر نماز محافظت می‌نمایند، با این کافران ستمگر محشور شوند، در حالی که عذاب آنان در دوزخ بسیار شدید است، پاداش کسانی که به‌طور کامل نماز را ترک کنند، و یک عمر رکوع یا سجودی به درگاه خداوند نبرده باشند، چگونه است؟ و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ» (احمد و بخاری و نسایی از بریده روایت کرده‌اند. «هرکس نماز عصر را ترک کند باعث از میان رفتن و حبط اعمال او می‌گردد.»

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

وقتی که ترک یک نماز باعث از میان رفتن و حبط اعمال می‌گردد، کسی که همه‌ی نمازها را ترک کند مجازات او چگونه است؟
قرآن منافقان را برای ما چنین معرفی می‌کند که وقتی آنان برای نماز می‌ایستند با تنبلی و کسالت می‌ایستند. حال کسان که نه با نشاط و نه با تنبلی به نماز می‌ایستند، چگونه خواهد بود؟

همچنان هیچ یک از صحابه راجع به تکفیر کسی که نماز را عمداً ترک کند و یا خارج از دین قلمداد کردن چنین کسی مخالفت ننموده است.
ترمذی از عبدالله بن شقیق (رض) به سند صحیح روایت می‌نماید که او گفته است:
یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را به جز نماز کفر نمی‌دانستند. عبارت راوی بیانگر این است که صحابه (رض) همگی در این مسئله اتفاق نظر داشتند، به همین خاطر این نقطه نظر را به یکی از اصحاب به‌طور مشخص و معین نسبت نداده است.

همچنین، علمای دین و اصحاب حدیث نظر اصحاب کرام، تابعین و فقها را بشرح بیان داشته است:

حضرت علی (رض) فرموده است:

هر کس نماز نخواند کافر است.

ابن عباس (رض) روایت فرموده اند که:

هر کس نماز را ترک کند کافر است.

همچنان از ابن مسعود روایت شده است که هر کس نماز را ترک کند بی‌دین است.

حکم جابر بن عبد الله (رض) در مورد تارک نماز :

جابر بن عبد الله (رض) باتمام صراحت حکم نموده است که هر کس نماز نخواند کافر است.

ابودرداء می‌فرماید:

کسیکه نماز نخواند ایمان ندارد، و نیز نماز را ادا نکرده است کسی که وضوء ندارد.
از ایوب سختیانی روایت شده است که می‌گوید: در اینکه تارک نماز کافر است اختلافی نیست.

حافظ منذری پس از ایراد و بیان این روایات و شیوه‌های پیشینیان می‌گوید:
جماعتی از اصحاب از جمله عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، معاذ بن جبل، جابر بن عبدالله و ابودرداء- رضی الله عنهم- و از غیر اصحاب، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، عبدالله بن مبارک، نخعی، حکم بن عتیبه، ایوب سختیانی، ابوداود طیالسی، ابوبکر بن ابی‌شیبه، زهیر بن حرب و دیگران- رحمهم الله تعالی- گفته‌اند:
هر کس عمداً نماز را ترک کند تا وقت آن سپری گردد، کافر است. (- الترغیب والترهیب، جلد 1، کتاب الصلاة، فصل الترهب، (من ترک الصلاة تعمداً).

حکم امام ابن تیمیه در مورد تارک نماز :

شیخ ابن تیمیه (رح) می‌فرماید: نباید بر تارک نماز سلام کرد و نباید مهمانی او را قبول کرد ...

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

همچنین، جایز نیست که پدر، دختر خود را به همسری شخص بی‌نماز درآورد؛ زیرا شخص بی‌نماز در حقیقت مسلمان نیست و شایستگی ازدواج با دختر مسلمان را ندارد و نمی‌تواند نگهداری و سرپرستی او و فرزندان او امین باشد.

و نیز جایز نیست که صاحبان مؤسسه‌ها و کارخانه‌ها، اشخاص بی‌نماز را بحیث کارمندی مقرر نمایند، زیرا چنین عملی به عنوان اعانه به معصیت تلقی می‌گردد، و کسی که حقوق پروردگاری را که خالق و رازق اوست تباه گرداند، حقوق بندگان را به مراتب بیشتر اهمال و تضییع خواهد کرد.

با این ترتیب، مسؤولیت جامعه در مقابل این فریضه‌ی الهی که به عنوان ستون و پایه‌ی دین به‌شمار می‌آید، واضح و روشن خواهد شد، نماز فریضه‌ای است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست مگر آنکه به چنان مریضی سختی مبتلا شود که فاقد هوش و اختیار گردد، و درک فرمان الهی برای او دشوار گردد؛ در غیر این صورت امراض دیگر حتی اگر منجر به قطع اندامهای شخص گردند یا او را زمین‌گیر یا فلج گردانند، نماز از او ساقط نخواهد شد.

شریعت خطاب به مریض می‌گوید:

به هر طوریکه می‌توانی تطهیر کن و وضوء بگیر، آن اندازه که در توان داری نماز بگزار و نماز را هیچگاه ترک نکن، با آب وضوء بگیر، اگر آب نیافتی با خاک پاک تیمم کن. ایستاده نماز را ادا کن و اگر نتوانستی به‌صورت نشسته، و اگر باز نتوانستی به پهلو یا به پشت خوابیده، با اشاره‌ی سر یا ابرو، نماز را بخوان. همچنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن/16) (تا آنجا که می‌توانید از خدا پروا بدارید).

جامعه در برابر انجام این فریضه، مسؤولیت دارد، بخصوص حاکم مسؤولی نسبت به رعیت و زیردستان همچون پدر نسبت به فرزندان کوچک یا شوهر نسبت به همسر، مسؤولیت دارد.

پروردگار با عظمت ما در این باره می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (سوره طه/132). (و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش، ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام نیک برای پرهیزگاری است).

همچنان خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (سوره - تحریم/6). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و اهل تانرا از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید)

وقتی که شوهر اهتمام و توجه خاصی به همسر خود دارد و دوستدار اوست، همچنین پدر که نسبت به فرزندان خود عشق می‌ورزد و برای آنان دلسوزی می‌کند، باید همواره بکوشد تا آنان را از آتش دوزخ مصون نگاه دارد، و آنان را نسبت به اطاعت و عبادت پروردگار که مهمترین زمینه‌ی آن اقامه‌ی نماز است، دستور دهد.

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

حکم شیخ ابن باز رحمه الله در مورد تارک نماز:

شیخ ابن باز طی فتوای : تارک نماز را کافر می داند و حتی ایشان کسی را که عمدا یکی از نمازهایش را به تاخیر بیاندازد را نیز کافر می داند. (برای معلومات مزید مراجعه شود : به «فتاوی اللجنة» (40،50/6) .

چنانکه برخی دیگر از اهل علم بر این رای هستند که چنانکه کسی مدا و بدون وجود عذر شرعی نمازی را فوت نماید بگونه ایکه وقت آن نماز گذشته و به نماز بعدی برسد، پس او کافر شده است. و گذشت وقت نماز یعنی اینکه نماز ظهر را تا وقت غروب، و نماز مغرب را تا بیاندازد. (و این حکم به دلیل وجود احتمال جهت جمع کردن نماز است) و از جمله علمای سلف که بر این رای هستند: محمد بن نصر المروزی و عبدالله ابن مبارک رحمهما الله هستند. لذا بر اساس این قول کسی که مثلا فقط نماز جمعه می خواند یا فقط ماه رمضان نماز می خواند یا اینکه روزی نماز می خواند و روزی دیگر نماز نمی خواند (حتی اگر منکر وجوب نماز نیز نباشد) کافر است.

حکم شیخ محمد بن صالح العثیمین در مورد تارک نماز:

شیخ عثیمین با تائید فتوای حکمی که در فوق از آن یادآوری نمودیم در جای دیگری : تارک نماز دائمی را کافر می داند، بدین معنی که اگر کسی همیشه و دائم تارک نماز باشد کافر است و این بر خلاف رای فوق است، بر اساس این رای کسی کافر است که بطور مطلق تارک نماز باشد.

و این رای شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نیز است و ایشان گفته اند که اگر کسی نمازی را می خواند و نمازی را ترک می کند، چنانکه در قلب خود چنین نیت داشته باشد که بطور کلی نماز را ترک خواهد کرد، او باطنا کافر شده است یعنی کفری که الله تعالی بدان خبر دارد و بین او بین الله تعالی است. (مجموع الفتاوی (49/22) ، (615/7) ، و «شرح العمدة» (94/2).

و شیخ ابن عثیمین نیز بر همین رای هستند چنانکه می گویند: « آنچه که از ادله این امر ظاهر می شود اینست که: تارک نماز کافر نیست مگر اینکه او نماز را دائمی ترک کند، بدین معنی که او نفس خود را بر ترک نماز قرار دهد، و او نماز ظهر نمی خواند و نیز نماز عصر و مغرب و عشا و صبح نمی خواند، در این وضعیت شخص کافر است. ولی اگر او در شبانه روز یکی یا دو فرض نماز را بخواند کافر نمی شود، زیرا نسبت به او گمان نمی رود که قصد ترک نماز را داشته باشد در حالیکه پیامبر صلی اله علیه وسلم می فرمایند: « بین الرجل و بین الشرك و الکفر ترك الصلاة » مابین شخص مسلمان و شرک و کفر ، ترک نماز است. و ایشان فرمودند (ترك صلاة) یعنی فرمودند ترک هر نمازی باعث کفر است. («صلاة» نکره است). (انتهى من «الشرح الممتع» (26/2) .

البته بطور شفاهی از جناب شیخ ابن عثیمین در مورد حکم کسی که در هفته فقط نماز جمعه می خواند می پرسند و ایشان جواب می دهند که؛ ظاهر این اشخاص کافر می شود زیرا او از سی و پنج نماز که در هفته بعنوان واجب وجود دارد، فقط یک نماز خوانده و این در برابر نمازهای یک هفته قلیل و اندک است، و به کسی که فقط یک نماز در طول

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

هفته می خواند نماز خوان گفته نمی شود بلکه او تارک نماز است.

حکم شیخ ناصرالدین الالبانی در مورد تارک نماز:

شیخ ناصرالدین الالبانی با تایید نظریات سایر علماء تارک نماز را در صورتیکه منکر وجوب نماز باشد کافر می داند و ایشان بر این رای هستند که در تمامی عبادات واجب مادامیکه شخصی منکر وجوب آنها باشد کافر می شود و فرقی نمی کند که آن عبادت واجب نماز باشد یا روزه یا زکات و یا عبادت واجب دیگری، و ایشان کسی که از روی سستی تارک نماز است ولی به گناه خود اقرار دارد را تکفیر نمی کنند. و ایشان می گویند به کسی که تارک نماز است می گوئیم: آیا از نظر تو نماز واجب است یا خیر؟ اگر گفت آری واجب است پس او را نمی توانیم تکفیر نماییم زیرا او به نماز اعتقاد و ایمان دارد هرچند تارک نماز است و به سبب آن خود را مشمول عذاب سختی کرده است ولی او کسی است که شهادتین را بر زبان جاری ساخته و به شرائع اسلام ایمان دارد. ولی اگر گفت که نماز را واجب نمی دانم قطعا او کلمه کفری گفته و او کافر است. (حکم تارک الصلاة للشيخ الالبانی رحمه الله).

نتیجه کلی در مورد تارک نماز:

برخی از علماء حتی ترک یک نماز را از روی عمد باعث کفر تارک می دانند. و برخی دیگر از علماء کسی را که مطلقاً نماز نمی خواند و تارک نماز دائمی است را کافر می دانند ولی برخی دیگر از علماء کسی را که منکر وجوب نماز باشد را کافر دانسته و لو اینکه تارک نماز باشد. و البته بنظر می رسد رای دوم (ابن عثیمین) به ثواب نزدیکتر باشد.

اما از شخاصیکه منکر وجوب نماز نباشد یا نماز را خوار و سبک نداند، در این صورت با ترک نماز یا کافر مرتد است همانگونه که ظاهر احادیث و ظاهر فتوای اصحاب و دیگران بیانگر آن است، یا فاسق و دور از خدا محسوب می گردد. بالاترین حدّ تخفیف درباره‌ی شخص بی نماز فاسق به حساب آوردن اوست به گونه‌ای که هر لحظه بیم کفر از او می رود و شکی نیست در اینکه بعضی از گناهان منجر به بعضی از گناهان دیگر می شوند، همچنانکه گناهان صغیره منجر به گناهان کبیره، و کبائر منجر به کفر می گردند.

بنابراین بر انسان مسلمان واجب است که به درون خود مراجعه نماید و در پیشگاه پروردگار توبه کند و به تصحیح دین خود بپردازد و بر اقامه‌ی نماز تصمیم بگیرد. همانطور که بر دینداران واجب است که با اشخاص بی نماز مصرّ بر ترک نماز، پس از نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، قطع رابطه و ترک معاشرت متداول نمایند.

یادداشت ضروری:

به هر حال بر مسئولین امر واجب است که شخص بی نماز را وادار به توبه نمایند، و با حکمت حکم پروردگار و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و فواید نماز را برایش توضیح و تشریح نماید، اگر شخص متذکره توبه کرد کاری به او نداشته باشند. ولی اگر با آنها لجابت و بر انکار نماز تاکید بدارد مطابق حکم اسلامی توسط محکمه اسلامی آنرا بقتل

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

برسانند.

در مورد اینکه با شخصیکه تارک نماز هستند ، روابط صله رحمی قایم گردد و یا آن هم قطع گردد ، علماء میفرمایند که با ایشان نباید روابط صلحه رحمی قطع گردد ، باید با روابط با ایشان ادامه داد و با استفاده از موعظه حسنه ، ایشان را به ادای نماز دعوت نمود.

حکم شرعی است که باید به همچو اشخاص دعوت و نصیحت صورت گیرد و ایشان از عقوبتهای اخروی ترسانیده شوند ، شاید که توبه کنند و دوباره به راه مستقیم هدیت گردند.

آیا بر تارک نماز ، خواندن نماز جنازه جایز است؟

قبل از همه باید گفت ، شخصیکه تارک نماز و تارک روزه باشد ، و در همین حالت از این دنیا رحلت نماید ، بحکم شرع در جمله مسلمان به حساب نمی آید ، زیرا کسی که به طور عمد نماز را ترک کند کافر می شود ، زیرا حدیثی پیامبر صلی الله علیه و سلم در این مورد صراحت دارد : «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» . (حد فاصل بین انسان و بین شرک و کفر ترک نماز است).

پس شخصی که بر چنین حالتی که بدون عذر تارک نماز باشد و بدون عذر روزه نگیرد و بدون توبه بمیرد ، استغفار و دعا برای او جایز نیست و نباید نماز جنازه ، بر جنازه اش ادا گردد . چرا که او هیچ سودی از این نماز نمی برد .

از شیخ ابن عثیمین در مورد خواندن نماز جنازه بالای میتی که گمان اغلب بر این است که گویا او تارک نماز است فرمودند :

«این امر موجب امتناع از خواندن نماز بر او نخواهد شد، هر چند گمان غالب داشته باشد که او نماز نمی خوانده، مادام که یقین ندارد او نماز خوان نپوده (می تواند بر او نماز بخواند)، اما اگر گمان غالب او به دلیل وجود قرائن قوی شکل گرفته باشد، در آنصورت هرگاه برای وی دعا کرد، آنرا مقید کند، مثلا بگوید : «اللهم إن كان مؤمناً اللهم فاغفر له وارحمه .. تا آخر دعاء».

دعای شرطی در کتاب و سنت آمده است، الله متعال در آیه لعان در باره شهادت مرد بر زنش که وی را متهم به زنا می کند، فرمود : « فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * وَيَذْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ هَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ * وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ » (سوره نور 6-9). یعنی : «هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان

باشد. آن زن نیز می تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار الله را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می دهد) از دروغگویان است. و بار پنجم بگوید که غضب الله بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد». این دعا با شرط است...

ولی اگر یقینی مطلق حاصل شود که او از جمله نماز خوانان نیست ، در آنصورت برای شما حلال نیست بر او نماز بخوانید، نه شما و نه دیگران؛ به دلیل فرموده الله تبارک و

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

تعالی : « وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ » (سوره توبه: آیه : 84).
« هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش) نیست.»

الله متعال نهی کردند که بر منافقینی که اظهار اسلام می کنند و کفر خود را پنهان می دارند، نماز خوانده شود.» (فتاوی نور علی الدرب).

برخورد شوهر با زن بی نمازش:

بر شوهر واجب است تا به موعظه حسنه از زن دعوت بعمل آرد ، تا ادای نماز پابندی نماید ، در صورتیکه زنش از خواندن نماز سر باز میزند ، شوهر حق دارد از او جدا شود، بدلیل این که ترک نماز موجب کفر و خروج از دین اسلام است، پس همسر این شخص بعلت ترک نماز کافر است و زن کافر برای مرد مؤمن حلال نمی باشد . زیرا حکم پروردگار با عظمت ما در مورد با صراحت خاصی بیان یافته است . « فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ » (سوره ممتحنه: آیه 10) (هرگاه آن (زنان) را مؤمن یافتید آنها را به سوی کفار باز مگردانید. این زنان برای آن مردان و آن مردان برای این زنان حلال نیستند). ولی هستند زنان که صرف روزه میگیرند و نماز نمی خوانند و به اصطلاح (تارک نماز) برای آنان میگوییم : روزهات قابل قبول نیست و حاصلی جز رنج و خستگی ندارد، برای این که هیچ عمل صالحی از کفار پذیرفته نمی شود.

خداوند متعال میفرماید : « وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا » (فرقان آیه 23) (و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند (و به ظاهر نیک بوده اند) می رویم و همه را همچون ذرات غبار در هوا پراکنده می سازیم) و باز در (آیه 88سوره انعام) میفرماید : « وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ انعام» (اگر این شایستگان ، پیامبران چه رسد به دیگران) شرک می ورزیدند، هر آنچه می کردند هدر می رفت) « وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ » (توبه آیه 54) (چه چیزی مانع قبول شدن نفقات و صدقات آنان می شود جز این که اینها به الله و پیامبرش کفر ورزیده اند).

پس وقتی که نفقات کفار که نفع آنها به دیگران می رسد قابل قبول نیست پس عبادت که نفع آنها منحصر به خود شخص است چگونه پذیرفته می شود؟

خلاصه اینکه زن نماز نخواند ، نکاح اش فسخ و باطل است؛ ولی اگر زن متوجه به اشتباه اش گردد و به سوی الله توبه کند و به دین اسلام باز گردد و اقدام به نماز خواندن کند ، میتواند در عقد باقی بماند ، در غیر آن نکاح اش باطل است . (مزید معلومات در مجموع فتاوا و رسایل (90/12) شیخ ابن عثیمین).

مسئولیت زن در مقابل شوهر بی نمازش:

علماء میفرمایند: اگر یکی از زوجین تارک نماز باشند، طوری که در فوق متذکر شدیم بر جانب مقابل واجب است که او را در قدم نخست به موعظه حسنه و حکمت منطقی و مستدل به خواندن نماز دعوت کند و لی اگر با آنها از خواندن نماز ابا و ورزد ، باید بستر خود را از او جدا سازد تا زمانیکه از این عمل خویش توبه کند و به نماز خواندن روی

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

آورد.

اما اگر بادر نظر داشت همه سعی و کوشش، همچنان به نماز نخواندن ادامه داد، می تواند یکطرفه نکاح خود را فسخ کند و با دیگری ازدواج کند.

اکثریت مطلق علماء در فتاوی دینی خویش حکم فرموده اند که: هرگاه زنی در نکاح مردی در آورده شود که نه با جماعت و نه در خانه هیچ وقت نماز نمی خواند نکاحشان صحیح نیست، زیرا تارک نماز همان گونه که از قرآن، سنت و اقوال صحابه ثابت است کافر و مرتد است.

عبدالله بن شقیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: «كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَزُونَ شَيْئاً مِنَ الْأَعْمَالِ تَرَكَهُ كُفْرًا غَيْرَ الصَّلَاةِ» «اصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ گناهی جز ترک نماز را کفر نمی دانستند».

بنابراین حلال نیست که زن مسلمان به عقد کافر در آورده شود؛ چون الله تعالی فرموده است: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» (سوره ممتحنه: 10) «هر گاه (آن زنان) را مؤمن یافتید، آنها را به سوی کفار باز مگردانید، این زنان برای آن مردان و آن مردان برای این زنان حلال نیستند».

اگر کسی بعد از عقد نکاح، بی نمازی را اختیار کند، نکاحش خود به خود فسخ می شود؛ مگر آن که بلافاصله توبه کرده و به اسلام برگردد.

برخی علماء گفته اند تا انقضای عدت به شوهر مهلت داده می شود، اگر پس از انقضای آن مسلمان شد (نماز را اختیار نمود) این زن برایش حلال نمی شود؛ مگر با عقد جدید، بر زن لازم است که از شوهر بی نماز جدا شده و به او تمکین ندهد، گرچه از آن شوهر فرزندی نیز داشته باشد، چون پدر در این حالت حق حضانت فرزندان را ندارد.

بنابراین نصیحت و پیشنهاد برادرانه من به شما برادران مسلمان، اینست که فرزندان خویش را اعم از دختران خود و یا دخترانی که تحت سرپرستی شما قرار داشته باشد، نباید به اشخاصیکه بی نماز در عقد نکاح در آورید، چون این مسئله بی نهایت خطرناک است. پدران و اولیاء در امر تزویج دخترانشان با بی نمازان نباید جنبه‌ی خویشاوندی و دوستی را در نظر بگیرند (بلکه جنبه‌ی دین را باید جداً مراعات کنند). از پروردگار با عظمت برای همه‌ی مسلمانان هدایت را طلب می کنم. (تفصیل موضع در این بابت را میتوان در مجموع فتاوا و رسایل (56/11) شیخ ابن عثیمین ملاحظه فرمایید).

برخورد با خانواده بی نماز خویش!

اگر اعضای یک فامیل هیچ وقت نماز نمی خوانند حکم اسلام همین است که اعضای این خانواده کافر و مرتد هستند، بناً برای این شخص جایز نیست که در برابر آنان سکوت اختیار نماید، بالعکس همه سعی و تلاش خویش را بخرج دهد تا آنان را برای خواندن نماز دعوت نمایند. شاید پروردگار با عظمت هدایتشان کند.

بر اساس حکم کتاب الله، واحادیث نبوی (سنت)، و اقوال صحابه و رأی صحیح، آنان کافر است.

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

دلیل اول: از کتاب الله:

قرآن عظیم الشان در مورد مشرکین میفرماید: « فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَاجْزَأْكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » «اگر آنان (از کفر) توبه کردند (و احکام اسلام را مراعات کردند) و نماز را خواندند و زکات دادند (کاری با آنان نداشته باشید چون) در این صورت برادران دینی شما هستند. ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم». (سوره توبه: آیه 11)

مفهوم آیه متبرکه اینست که: اگر آنان نماز نخواندند و زکات ندادند، پس برادران دینی شما نیستند و مسلم است که اخوت دینی با معاصی و گناه منتفی نمی‌شود؛ بلکه این امر تنها با خروج از دین اسلام منتفی می‌گردد.

دلیل دوم: از سنت رسول الله:

در حدیث متبرکه «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشِّرْكِ وَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». «بی گمان فرق بین انسان و بین شرک و کفر ترک نماز است».

همچنین حدیثی به روایت بریده رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در سنن چنین آمده است: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». (وجه تمایز ما و آنان در نماز است، پس هر کس که نماز را ترک کند کافر می‌گردد).

همچنان در حدیث دیگری آمده است هر شخصیکه بطور قصدی نماز را ترک کند از حفظ و مراقبت الهی محروم خواهد شد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد فرموده است: «به الله شرک موزر حتی اگر شکنجه شوی و سوزانده شوی، از پدر و مادرت اطاعت کن حتی اگر تو را از اموالت و از هر آنچه از آن توست محروم سازند، و نماز را عمدا ترک مکن که هرکس نماز را عمدا ترک گوید از حفظ و مراقبت الله محروم خواهد شد» (طبرانی این حدیث را روایت فرموده و شیخ آلبنی آن را حسن لغیره دانسته است)

دلیل سوم از اقوال صحابه:

امیر المؤمنین حضرت عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: «لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ». «موطأ مالک» 39/1 (82) «تارک نماز در اسلام هیچ بهره و نصیبی ندارد».

کلمه (حظ) به معنی نصیب است که در این جا به صورت نکره در سیاق نفی آمده و در حکم عام می باشد: یعنی هیچ بهره‌ای در اسلام ندارد، نه کم و نه زیاد.

عبدالله بن شقیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: «كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَزُونَ شَيْئاً مِنَ الْأَعْمَالِ تَرَكَهُ كُفْرًا غَيْرَ الصَّلَاةِ». (ترمذی (2757). (اصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هیچ گناهی جز ترک نماز را کفر نمی‌دانستند)

اما از جهت رأی و نظر صحیح: گفته می‌شود: آیا عاقلانه است مردی که در قلبش ذره‌ای ایمان وجود داشته باشد و عظمت نماز را شناخته و از یادآوری‌ها و توجه بخصوص الله تعالی نسبت به آنان آگاه باشد باز هم به ترک آن اصرار می‌ورزد؟ هرگز نه!

شیخ عثیمین مینویسد: دلایل آن‌عه از علمای را که به تکفیر تارک نماز قایل نیستند 4

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

بررسی کردم، دلایل آنها از پنج حالت خالی نیست:

- 1- دلایلی که نمی‌توان از آن برای عدم تکفیر تارک الصلاة استدلال نمود.
 - 2- دلایلی که مقید به حالت و وضعیتی هستند که ترک نماز در آن حالت و وضعیت ممتنع است.
 - 3- یا مقید به حالتی هستند که تارک نماز در آن معذور قرار می‌گیرد.
 - 4- یا این که آن دلایل عام هستند و به وسیله ی احادیث کفر تارک الصلاة خاص شده‌اند.
 - 5- یا به علت ضعف نمی‌توان از آنها استدلال نمود.
- پس از آن که ثابت شد که تارک نماز کافر است، باید بدانیم که بر او احکام مرتدین مترتب می‌شود. در هیچ نصی از نصوص به اثبات نرسیده است که تارک نماز مؤمن است، یا به جنت می‌رود و یا از آتش جهنم رهایی می‌یابد و... از این رهگذر است که ضرور نمی‌بینیم که کفر تارک نماز را به کفر نعمت یا به کفر اصغر تأویل کنیم. به دلایل دیگری از این قبیل اشاره می‌کنیم:

1- جایز نیست که مسلمانی دختر نمازخوان را در نکاح شخص بی‌نماز در آورد و اگر برایش عقد نکاح بسته شود، این نکاح باطل و زن برای این مرد حلال نمی‌شود، چون الله تعالی در مورد زنان مهاجر گفته است: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» (سوره ممتحنه: 10). «و اگر این زنان (مهاجر) را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید، این زنان برای آن مردان و آن مردان برای این زنان حلال نیستند».

2- شخصی که بعد از عقد نکاح به کلی تارک نماز می‌شود، نکاحش فسخ شده است و بدلیل آیه‌ای که سابقاً ذکر کردیم، این زن برایش حلال نمی‌شود، برحسب تفصیلاتی که اهل علم در این مورد بیان نموده‌اند؛ که قبل از دخول و آمیزش تارک نماز باشد یا بعد از آن.

3- ذبیحه‌ی شخص بی‌نماز غیرقابل خوردن است. چرا؟ چون که ذبیحه‌اش حرام است، و حال آن که ذبیحه‌ی یهودی و نصرانی برای ما حلال است، پس ذبیحه‌ی شخص بی‌نماز پلیدتر از ذبیحه‌ی یهودی و نصرانی است.

4- بی‌نماز اجازه ندارد به مکه و حدود حرم داخل شود، چون که الله تعالی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان مشرکان (بسبب عقیده و کفرشان) پلیدند، لذا، نباید پس از امسال (نهم هجری) به مسجدالحرام وارد شوند. اگر (بعلت قطع روابط تجاری آنان با شما) از فقر می‌ترسید، (نترسید) الله تعالی شما را به فضل و رحمت خود بی‌نیاز می‌گرداند، زیرا الله آگاه و دارای حکمت است». (سوره توبه: آیه: 28).

5- در صورت فوت یکی از اقارب (خویشاوندان)، بی‌نماز از او ارث نمی‌برد؛ بدین ترتیب اگر فرد مسلمان و اهل نماز فوت کند و پسری بی‌نماز و پسر کاکایش (عصبه) اهل نماز بر جای بگذارد چه کسی از او ارث می‌برد؟ پسر بی‌نماز یا پسر کاکای نمازگزار؟ جواب همه این پرسش‌ها همین است که: پسر بی‌نماز از او ارث نمی‌برد؛

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

بلکه ارث به پسر کاکایش می‌رسد.

أسامه بن زید رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است: «لَا يَرِثُ الْمُسْلِمُ الْكَافِرَ وَ لَا الْكَافِرُ الْمُسْلِمَ» بخاری (6764) و مسلم (1614). «مسلمان از کافر و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد».

همچنین می‌فرماید: «الْحَقُّوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرٍ» بخاری (6732) و مسلم (1615). «سهمی‌های معین شده‌ی ارث را به صاحبان آنها بدهید و باقیمانده آن را به نزدیکترین خویشاوند مرد میت بدهید».

6- بی‌نماز وقتی که بمیرد نباید غسل و تکفین شود و نباید بر او نماز جنازه خواند و همچنین مسلمانان اجازه ندارند او را در گورستان مسلمانان دفن کنند؛ پس چه کارش کنیم؟ جسدش را به بیابان برده و در آنجا گودالی حفر نموده و با همان لباس در آنجا دفنش می‌کنیم، زیرا او در اسلام از هیچ حرمت و کرامتی برخوردار نیست. بنابراین برای هیچ کسی جایز نیست که فردی بی‌نماز نزدش، بمیرد و او را به مسلمانان عرضه کند تا بر او نماز جنازه بخوانند.

7- بی‌نماز در روز رستاخیز با فرعون، هامان، قارون، ابی ابن خلف و سایر پیشوایان کفر محشور می‌شود و به بهشت نمی‌رود و برای هیچ یکی از اعضای خانواده‌اش جایز نیست که برایش دعای رحمت و مغفرت بخوانند، زیرا او کافر است و مستحق دعا و استغفار نمی‌باشد- پناه بر خدا-

الله تعالی می‌فرماید: « مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهَا أَصْحَابُ الْجَحِيمِ » (سوره توبه آیه 133).

«برای پیامبر و مؤمنان مناسب نیست که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند که خویشاوند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته‌اند و) مشرکان اهل دوزخ‌اند». (تفصیل موضوع: را میتوان در رساله صفة- صلاة النبى صفحه (29-30) و مجموعه فتاوا و رسایل (12-50) شیخ ابن عثیمن مطالعه فرماید).

سهل انگاری در امر نماز:

موضوع سهل انگاری در امر نماز و بخصوص در نماز جماعت در دین مقدس اسلام از منکرات بزرگ و از صفات منافقین است؛ الله تعالی فرموده است: « إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا » (سوره نساء آیه 142) (بی گمان منافقان (به خیال خام خود) الله را گول می‌زنند! در حالی که الله آنها را گول می‌زند. منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی حال به نماز می‌ایستند و با مردم ریا می‌کنند (نمازشان به خاطر مردم است) و الله را کم یاد می‌کنند).

همچنان پروردگار با عظمت ما در مورد صفت منافقان می‌فرماید: « وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارَهُونَ » (سوره توبه آیه 54) (و هیچ چیز مانع قبول شدن نفقات و صدقات آنها نشده است جز این که آنان به الله و پیامبرش ایمان ندارند و جز با ناراحتی و بی حالی به نماز نمی‌ایستند و جز از روی ناچاری بخشش نمی‌کنند).

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد منافقان گفته است: «لَيْسَ صَلَاةٌ أَثَقَلَ عَلَى الْمُتَنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا». (هیچ نمازی بر انسان های منافق سخت تر و سنگین تر از نمازهای صبح و عشا نیست. ولی اگر می دانستند که فضیلت و ثواب این نماز چقدر است با سینه خیز هم که می بود خود را (به مسجد) می رساندند).

پس بر هر مسلمانی واجب است که بر نمازهای پنج گانه در اوقات معین، مواظبت نموده و با طمأنینه و آرامش با خشوع و حضور قلب نمازها را ادا کند؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

« قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) » (مؤمنون: 1-2) (به راستی مؤمنان رستگار شوند (1) همان کسانی که در نمازشان فروتنند (2) و به این دلیل که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شخصی را که نماز خواندن بلد نبود و اعتدال و اطمینان را رعایت نمی کرد؛ امر نمود تا نمازش را دوباره بخواند. مردان موظفند نمازهایشان را همراه با مسلمانان با جماعت و در مساجد ادا نمایند، چون رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يَأْتِهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ» (هر کس آذان را بشنود و برای نماز (به مسجد) نرود، نماز او قبول نیست؛ مگر آن که عذری داشته باشد).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا سؤال شد: عذری که جماعت را ساقط می کند، چیست؟ حضرت ابن عباس در جواب فرمود: ترس یا مرضی .

در صحیح مسلم از ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت شده است که مردی نابینا نزد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای پیامبر! نابینا هستم و راهنمایی ندارم، آیا اجازه دارم در خانه نماز بخوانم، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اول به او اجازه داد و سپس صدایش کرد و فرمود: « هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَأَجِبْ » (آیا آذان نماز را می شنوی) گفت: بلی! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «پس به نماز بیا» . در صحیحین از ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نقل شده که ایشان از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَنُقَامَ، ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيَصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرَجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ» . (خواستم دستور دهم برای نماز اقامه گفته شود، آنگاه دستور دهم کسی به جای من امامت نماز را برای مردم به عهده بگیرد و خودم با مردانی که بسته های هیزم همراهشان است به سوی کسانی بروم که در نماز جماعت شرکت نمی کنند و آنها را با خانه هایشان به آتش بکشم).

همه این احادیث بیانگر یک امر که : نماز جماعت برای مردان از مهمترین واجبات است و کسانی که از آن باز می مانند مستحق شدیدترین عقوبت ها می باشند. از الله تعالی مسئلت داریم که احوال و اوضاع تمام مسلمین را اصلاح کرده و آنها را به کارهایی توفیق دهد که رضا و خشنودی او در آنهاست.

طبق صحیح ترین قول از اقوال علماء، که تفصیل آن در فوق گذشت همین است که : ترک عمدی نماز کفر اکبر است: گر چه شخص تنها در پاره ای اوقات آن را ترک دهد و

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

یا منکر و جوب آن هم نشود (باز هم کفر اکبر است)، ترک کننده چه مرد باشد و چه زن، به دلیل سخن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرَكُ الصَّلَاةِ ». (حد فاصل بین انسان و شرک و کفر ترک نماز است). « الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ ». (وجه تمایز ما و آنها (کفر و مشرکین) نماز است، پس هر کس که آن را ترک کند کافر می‌شود).

خواننده محترم!

آنچه که بر همه مسلمانان واجب است این است که همدیگر را نصیحت نموده و به حق سفارش نموده و به کارهای نیک و تقوا یاری کنند. از جمله این امور نصیحت کردن به افرادی است که در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند و یا احيانا نماز را به کلی ترک می‌دهند. اینها را باید از خشم و گرفت الهی ترسانید. بر پدران و مادران این افراد واجب است که اینها را به طور مداوم نصیحت کنند، باشد که الله تعالی آنها را به صراط مستقیم هدایت کند.

همچنین زنانی را که تارک نماز هستند یا در آن سهل انگاری می‌کنند باید نصیحت کرد و از خشم و غضب الله تعالی ترسانید و با روشی مناسب تأدیب نمود، زیرا الله تعالی فرموده است: « وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (سوره توبه آیه 71) (مردان و زنان مؤمن برخی دوستان برخی دیگرند. همدیگر را به کارهای نیک دعوت داده و از کارهای بد باز می‌دارند و نماز را برپا داشته و زکات را می‌پردازند و از الله و رسولش فرمان می‌برند. الله تعالی به زودی اینها را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد. بی گمان که الله توانا و حکیم است). به دلیل این که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته است: «مَرُّوا أَوْلَا دَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ ». (در سن هفت سالگی فرزندانان را به نماز خواندن دستور دهید و به سن ده سالگی که رسیدند (و نماز نخواندند) آنها را بزنید و خوابگاهشان را جدا کنید).

وقتی قضیه، چنین است که پسران و دختران در سن هفت سالگی به نماز مأمور می‌شوند و در سن ده سالگی به خاطر ترک آن تنبیه بدنی می‌شوند و البته نباید از نصیحت مداوم و تمسک به حق و صبر بر آن گذشت.

پروردگار با عظمت ما میفرماید: « وَالْعَصْرُ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ » (۳) (سوره العصر آیات 1-3). (سوگند به زمان. انسانها همه در زیان اند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند و همدیگر را به تمسک به حق سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی توصیه می‌نمایند).

هر کسی که بعد از بلوغ، نماز را ترک کند و نصیحت کردن کارساز نشود، باید این موضوع را به محاکم شرعی ارجاع داد تا وی را به توبه وادار کنند و اگر توبه نکرد باید کشته شود. از الله تعالی می‌خواهیم که احوال مسلمین را اصلاح نموده و به آنان فقه و علم دین نصیب بفرماید و به همیاری بر نیکی و تقوا و امر به معروف و نهی از منکر توفیقشان دهد، بی گمان که او بخشنده و کریم است. (غرض معلومات مزید مراجعه شود):

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

فتاوی مهمه تتعلق بالصلاة (27-21) شیخ ابن باز).

حکم دوستی با تارک نماز در اسلام :

خواننده محترم !

دهخدا به نقل از محققان مختلف می نویسد: دوست، یعنی محب، یک دل، یک رنگ، خیرخواه، یار، رفیق، مانوس، هم دل، مقابل دشمن، آن که نیک اندیشد و نیک خواهد، مقابل دشمن که بداندیشد و بد خواهد.

دوستی، یعنی یاری، رفاقت، محبت و عشق، نزدیکی، هم دلی و هم دمی بین دو نفر بدون وجود رابطه خویشاوندی سببی یا نسبی.

دوستی (حالت و صفت، و عمل دوست، محبت، یگانگی، صداقت و مودت و خیرخواهی، رفاقت و یاری و مهر، خلاف خصومت و مقابل دشمنی و عداوت و بغض است.)

دوستی، رابطه ای است کامل تر و برتر از معاشرت ساده و هم زیستی معمولی. یک شخص ممکن است در محیط زندگی، محل کار، یادر مکتب ویا پوهنتون با افراد مختلف سروکار داشته باشد، بدون اینکه که بین او و آنان صمیمیت و هم دلی و همراهی وجود داشته باشد؛ چنین رابطه ای را دوستانه خوانند. دوستی گوهری است گران سنگ و ودیعه ای است الهی، رابطه ای است از عمق دل و جان و وحدت آفرین، که انسان ها را به هم پیوند داده، دل سوز یک دیگر و هم دم و همراه می سازد و در غم و شادی ها شریک و دم ساز می کند.

یکی از نعمت های الهی که در سرشت انسان به ودیعه نهاده شده است، احساس نیاز به دیگر افراد جامعه و برقراری ارتباط دوستانه با برخی از آنها است. چنانچه انسان بتواند دوستان نیکویی برای خود برگزیند و از این موهبت الهی به صورت صحیح و منطقی استفاده کند زندگی فردی و اجتماعی سالمتری خواهد داشت.

از منظر اسلام، « دوست » ارزش والایی دارد به گونه ای که حتی در سرنوشت انسان تاثیر گذار است. از این رو پیامبر صلی الله علیه وسلم دساتیر و رهنمود های مشخصی را در «انتخاب دوست» بیان فرموده اند.

بدین اساس در انتخاب دوست باید دقت و تعمق زیاد صورت گیرد، نباید صرفا « به سبب محبتی که در قلب خود از کسی می یابیم با او دوستی کنیم؛ بلکه قبل از همه باید منشأ محبت را جستجو کرد و صلاحیت فرد را مورد بررسی قرار داد.

نباید فراموش کرد که: تاثیر کردار و رفتار و گفتار هیچ کسی مؤثر تر بر یک شخص از دوست نمیباشد، لذا بسیار مهم است که یک شخص چه کسی را بحیث دوست خویش انتخاب نماید، زیرا بیشتر اوقات مسیر زندگیش دنیوی و اخروی او بر آن اساس بنا میشود.

حکم اسلامی همین است که دوستی باید بر اصولی استوار باشد که: دوست بتواند انسان را در امور آخرت کمک کند و از اهل فسق و فجور و بدعت نباشد، زیرا پروردگار با عظمت ما در قرآن عظیم الشان و سنت نبوی از اختیار کردن دوست بد ما را بر حذر داشته است.

پروردگار با عظمت ما در قرآن کریم میفرماید: « وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (27) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (28) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا» (سوره الفرقان : 27-29).

یعنی: (و روزی که ظالم دستهای خود را می‌گزد می‌گوید: ای کاش من هم همراه رسول خدا راهی در پیش می‌گرفتم، وای بر من! ای کاش فلانی را دوست نگرفته بودم که مرا در دنیا به گمراهی کشاند، ای خاک هلاک بر سرم باد، به راستی او مرا از ذکر پس از آن‌که به سوی من آمد به گمراهی کشاند و شیطان همواره خوارسازنده انسان است).
الله تعالی می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (سوره توبه 119) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) الله بپرهیزید، و با صادقان باشید.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: « مثل الجلیس الصالح والجلیس السوء كحامل المسک و نافع الکیر فحامل المسک إما أن یحذیک، وإما أن تبتاع منه وإما أن تجد منه ریحاً طیباً و نافع الکیر إما أن یحرق ثیابک وإما أن تجد منه ریحاً خبیثاً» (متفق علیه) یعنی: (مثل همنشین نیکوکار و همنشین بد، همانند حامل عطر مسک و دمنده در کوره آهن‌گری میماند، پس حامل عطر مسک یا به تو میدهد و یا از او میخوری و یا از آن بویی خوش میبایی، اما دمنده در کوره، یا لباست را می‌سوزاند، یا این‌که بوی پلید آن مشامت را آزار می‌دهد).

پس فرد مسلمان و مقید به احکام دینی باید سعی و تلاش نماید تا با افراد موحد و صاق رفاقت و دوستی نماید و مطمئناً از این رفاقت هر دو بهره خواهند برد، ولی دوستی با افراد بی بند و بار و یا فاسق مضر است و ممکن است باعث سرایت به شخص شود، البته لازمست که گاهی جهت دعوت و امر به معروف با آنها همنشین بود و با اخلاق نیکو با آنها رفتار کرد و حتی این امر واجب است.

ولی نبایستی همیشه و همه جا با او همنشین و همصحبت بود و بعبارتی بایستی گاهی با همنشین شد و او را به سوی خدا دعوت نمود.

اما اگر شخص که منکر و اجبیت حکم نماز باشد، بدون شک و به اجماع همه ای علماء کافر است و بعد از دعوت وی به سوی دین و رفع شبهاتش، چنانکه بر راه خود اصرار ورزید نباید با وی رفاقت و دوستی نمود و برای یک مؤمن مسلمان جایز نیست که با مرتدین ارتباط دوستانه و رفاقت دائمی برقرار نماید.

عار شیطان از دوستی با تارک نماز :

میگویند روزی شیطان باشخصی همسفر شد، در وقت نماز صبح این شخص نماز نخواند، در وقت پیشین و عصر هم نماز نخواند زمانیکه وقت نماز شام و خفتن رسید، با زهم این شخص نماز نخواند، خلاصه اینکه در بیست و چهار ساعت پنج وقت نماز راقصداً ترک کرد، وقتی شب شد، و میخواستن به بستر خواب روند، شیطان روی به این شخص کرده و گفت من باتو زیر یک چت خواب نمی‌کنم، چون پنج وقت موقع نماز شد و تو یک نماز را نخواندی و قصداً همه نماز های امروز را ترک کردی، این شخص گفت چرا؟

شیطان گفت: میترسم غضبی از آسمان بر سقف این خانه نازل شود که من هم باتو شامل

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

این غضب شوم، شخصی بی نماز گفت: توشیطان استی ومن بندهء خدا، چطور غضبِ خداوند بر من نازل میشود؟

شیطان در جواب گفت: من فقط یکبار نافرمانی الله را کردم و سجدهء شکر که برای حضرت آدم علیه والسلام بود نکردم از بهشت رانده شدم و تا روز قیامت مورد لعنت پروردگار با عظمت قرار گرفتم، در حالیکه تو از صبح تا حالا باید چند سجده به خداوند میکردی ولی نکردی، وای به حال تو، که از من بمراتب بد بدتر میباشی.

پایان

آیا تارک نماز واقعا کافر است؟

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی:

saidafghani@hotmail.com

strategicstudies@yahoo.com

در باره رساله

حکم تارک نماز:

نماز یکی از عبادت در دین مقدس اسلام است، ترک عمدی آن موجب کفر میگردد، و استدلال بر کافر بودن تارک نماز (بطور عمد) حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم است که میفرماید: «بَيْنَ الرَّجُلِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» (مسلم و ابوداود و ترمذی و ابن ماجه و احمد بن حنبل این حدیث را روایت کرده اند.) (تفاوت میان مرد با کفر، ترک نماز است).

و همچنان حدیثی: «الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» (احمد و صاحبان سنن این حدیث را روایت کرده اند.) «عهد و پیمانی که ما را از کافران جدا می سازد نماز است، هر کس نماز را ترک کند، کافر شده است.»

ولی در مورد مفهوم و تعریف و تفصیل این موضوع که ترک نماز بصورت قصدی صورت گیرد و یا غیر قصدی، آیا اینکه در جنب اینکه شخصتارک نماز از فرضیت آن هم منکر است موضوع است که در بین علماء دارای اختلاف است، که در این رساله به تفصیل به بیان گرفته شده است.